

رویکرد کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس به موازین بین المللی حقوق خانواده

محیا صفاری نیا^۱

تاریخ دریافت ۹۴/۴/۸ - تاریخ پذیرش ۹۴/۶/۳۰

چکیده

موازین بین المللی ناظر بر حوزه خانواده از منظر چند شاخه حقوقی مشتمل بر رشته‌های حقوق خصوصی، حقوق بین الملل عمومی، حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل بشر قابل مطالعه است. به رغم تصور اولیه مبنی بر تحدید موازین مربوط به خانواده در چارچوب حریم خصوصی شهروندان، باید گفت حوزه مزبور متضمن موضوعات متنوعی است که با نظم و امنیت عمومی و اخلاق و سلامت همگانی در ارتباط است که ممکن است در سطح ملی یا منطقه‌ای پیامدهای متنوعی را به بار آورد. کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به موازین بین المللی تثبیت شده یا در حال شکل‌گیری حقوق خانواده کنش‌ها و واکنش‌هایی داشته و دارند که به ویژه در عرصه‌ی نهادهای زیر مجموعه‌ی سازمان ملل یا سازمان همکاری اسلامی یا در تعامل با سازمان‌های غیردولتی بین المللی جلوه‌های متنوعی به خود گرفته است. در مقاله حاضر ضمن تمرکز بر تحرکات کشورهای حاشیه خلیج فارس در تعاملات ذی ربط با سازمان ملل و بیان مصادیق مهم مطرح، به واکاوی این پرسش می‌پردازد که آیا رویکرد کشورهای مذکور در این عرصه منسجم و هماهنگ بوده یا به تنوع در رویکرد دچار است؟ به علاوه این رویکرد واحد یا متنوع در برابر موازین بین المللی خانواده چه پیامدهایی بر صلح و امنیت منطقه ای در بر دارد؟ به این منظور اسناد بین المللی ذی ربط از منظر حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل بشر تحلیل شده است تا از این طریق پیامدهای اقدامات کشورهای مزبور در این عرصه بر صلح و امنیت منطقه ای کاویده شود، و پیشنهادهای نظری و کاربردی برای نهادهای مسئول در جمهوری اسلامی ایران نیز ارائه شود.

واژگان کلیدی: خانواده، موازین بین المللی، کشورهای حاشیه خلیج فارس، صلح و امنیت، سازمان ملل.





مقدمه

فعالیت های انسانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر نحوه رشد و نمو خانوادگی است. از همین رو خانواده کانون و هسته‌ی مهمی تلقی می‌شود که کمیت و کیفیت عملکرد سایر هسته‌های اجتماعی و کلیت جامعه را متأثر می‌سازد. اهمیت مسأله‌ی مزبور موجب شده است تا در کشورهای مختلف مقررات حاکم بر خانواده اعم از ضوابط حقوقی یا عرفی مورد توجه قرار گیرند. در موازین بین‌المللی به ویژه حقوق بین‌الملل بشر به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل عمومی قاعده گذاری‌های متنوعی در قلمرو خانواده و اصول حاکم بر آن و قواعد حقوقی ذی ربط انجام پذیرفته و در روندی فزاینده هر سال ابعاد جدیدتری می‌یابد. قواعد بین‌المللی با نظام‌های فکری و اعتقادی ملی و بومی کشورها گاهی در تطابق و زمانی در تعارض هستند. توسعه‌ی شکاف برای کشورهای مخالف موازین بین‌المللی هزینه‌های متنوع به دنبال می‌آورد از جمله این که بیم تخدیش امنیت عمومی جامعه در اثر شکل‌گیری تضادهای اجتماعی و درگیری طیف‌های شهروندان حامی یا مخالف با موازین بین‌المللی وجود دارد که این خود زمینه‌ساز تنش و تقابل خشونت‌بار در سطح ملی می‌گردد. بستری که می‌تواند زمینه‌ی دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور را تسهیل سازد.

با ملاحظه‌ی واقعیت‌های یاد شده، یکی از پرسش‌های مهمی که در سطح منطقه‌ای پیرامون جمهوری اسلامی ایران در قلمرو حقوق خانواده قابل طرح می‌باشد این است که آیا روندهای جاری در قبال موازین بین‌المللی در کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان یکی از مناطق مجاور، با صلح و امنیت منطقه‌ای پایدار مورد قبول ایران سازگاری دارند یا خیر؟ به منظور پاسخ‌دهی به این پرسش اصلی و یافتن راهبردی حقوقی برای سامان‌دهی به



نحوه‌ی برخورد جمهوری اسلامی در برابر این ساحت منطقه‌ای لازم است سه پرسش مرتبط با این امر به ترتیب زیر بررسی شوند:

الف. روندهای جاری در کشورهای حاشیه خلیج فارس شامل عربستان، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عراق و عمان در قبال موازین بین‌المللی خانواده چه توصیفی پیدا می‌کنند؟

ب. میزان هماهنگی و همسویی رویکرد قابل استخراج از فعالیت‌های حقوقی کشورهای حاشیه خلیج فارس در موضوع به چه میزان است؟

ج. نسبت محتوای رویکرد کشورهای حاشیه خلیج فارس در موضوع مورد بررسی با ارزش‌های اسلامی که وجه مشترک بنیادی ایران و آنها است چیست؟

فرضیه نگارنده این است که اگر به درستی ظرفیت‌ها، نگرش‌ها و رویکردهای حقوقی کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به موازین بین‌المللی حقوق خانواده شناسایی شوند، این حوزه می‌تواند یکی از محورهای مهم اشتراک نظرهای بین ایران و کشورهای مزبور باشد. تقویت این نقاط اشتراک و حساسیت حقوقی نسبت به متغیرهایی که سبب تضعیف آنها می‌شوند، به صیانت از صلح و امنیت منطقه‌ای کمک خواهد کرد کشورها و ملت‌های منطقه را منتفع خواهد ساخت. بالطبع فرضیه‌ی رقیب قابل طرح این است که رویکرد کشورهای حاشیه خلیج فارس در قبال موازین بین‌المللی حقوق خانواده ظرفیت همگرایی منطقه‌ای ندارند و به این اتکا نمی‌توان صلح و امنیت منطقه‌ای را تقویت کرد.

پیشینه‌ی مطالعاتی قابل استفاده‌ای در منابع فارسی برای ارزیابی فرضیه‌های مطرح و پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات فرعی وجود ندارد، به همین مناسبت عمدتاً بر بررسی اسناد بین‌المللی مختلف و آثار تحقیقی متنوع انجام شده در مراکز علمی جهانی و برخی از مقررات داخلی کشورهای مورد نظر تمرکز شده است. پس از توصیف و تحلیل اجمالی داده‌های مربوط به فرضیات مطرح، برخی نکات تجویزی برای بهره‌برداری در راهبردهای حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.





۱. اهمیت و مفهوم شناسی خانواده در گستره جهانی

تبیین چرایی اهمیت خانواده و نوع نگرش موازین بین‌المللی به تعریف خانواده، مقدم بر بررسی چگونگی تعامل کشورهای حاشیه خلیج فارس در قبال موازین بین‌المللی حقوق خانواده، ضرورت دارد.

۱-۱. اهمیت خانواده از منظر جامعه بین‌المللی

انسجام ملی برای همه‌ی کشورها موضوع مهمی قلمداد می‌شود زیرا وجود یا فقدان آن بر توانایی یک کشور در پیشرفت تأثیر جدی داشته و نمایانگر میزان اعتمادی است که میان مردم وجود دارد (Callan, 2014: 1). از همین رو خانواده‌ها و رویه‌های آنان برای دولت‌ها در سطوح ملی و فراملی دارای اهمیت است. نیازهای اساسی بسیاری از انسان‌ها در چارچوب خانواده برآورده می‌شود. خانواده برای انسجام اجتماعی، همبستگی جمعی، اجتماعی شدن کودکان و رفاه افراد و تربیت انسان‌هایی متخلق به صفات مدارا، تفاهم و قانون‌مداری نقش به‌سزایی دارد. خانواده پایگاهی است که کودکان و بزرگسالان در پرتو آن می‌آموزند، کار می‌کنند و به جامعه کمک می‌کنند. خانواده در مراقبت از اعضای آسیب‌پذیر جامعه به ویژه معلولان و سالمندان کارکرد در خور توجه دارد. خانواده‌ی قوی به ایجاد جامعه‌ای قوی کمک می‌کند. خانواده می‌تواند برای یک جامعه هم‌مشکل و هم‌راه‌حل بسیاری از معضلات باشد. خانواده نهادی است که سلامت آن بسیار بیشتر از سیستم قضایی یک کشور می‌تواند در پیشگیری از جرم و خشونت مؤثر باشد (Viano, 2014: 196).

بنا بر چنین جهاتی دولت‌ها منافع حیاتی در رفاه و معماری ساختار و کارکردهای خانواده دارند. آنها مجموعه‌ی وسیعی از برنامه‌ها و راهبردهای مرتبط با ابعاد مختلف حیات خانوادگی را در قالب تقنین و سیاست‌گذاری مدیریت می‌کنند. تنظیم روابط زوجین، والدین، کودکان و سالمندان در این چارچوب مطمح نظر می‌باشند. این سیاست‌ها توانایی بالقوه برای کمک به تحقق بسیاری از اهداف توسعه‌ی ملی را دارا می‌باشند. طراحی، توسعه، اجرا و نظارت بر سیاست‌های ناظر بر خانواده برای موفقیت کشورهای جهان در



حصول اهداف موضوع دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰ نیز واجد اهمیت هستند؛^۱ همانند پایان فقر در تمامی اشکال آن، تضمین امنیت غذایی و بهبود تغذیه. سیاست‌های ناظر بر خانواده می‌تواند زندگی سالم برای همه و آموزش کودکان را تضمین نماید (UN). (Expert Group Meeting: 2016) خانواده تجلی تحقق چندین حق شناخته شده‌ی انسانی به ویژه حق بر ازدواج و بهره‌مندی از زندگی سالم می‌باشد.^۲

۱-۲. مفهوم‌شناسی خانواده در عرصه بین‌الملل

ارائه‌ی تعریفی دقیق، فراگیر و مورد تسالم از خانواده در همه‌ی کشورها دشوار است. در چارچوب فرهنگ‌ها و رسوم متفاوت، تعاریف مختلفی از خانواده ارائه شده است؛ مانند گروهی از افراد که با رابطه‌ی خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به یکدیگر مرتبط هستند؛ خانواده‌ی هسته‌ای شامل والدین و فرزندان آن‌ها، خانواده گسترده متشکل از خانواده‌ی هسته‌ای و پدر بزرگ و مادر بزرگ، یا گروهی از افراد که در یک خانه سکونت دارند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۵).

در اندیشه‌ی اسلامی خانواده جایگاه ارزشی دارد. بر همین اساس می‌توان در قرآن کریم آیات متعددی پیرامون فلسفه‌ی ازدواج تا برخی از احکام خانواده و توصیه‌های اخلاقی به همسران را یافت.^۳ خانواده در اندیشه‌ی اسلامی کارکردهای متنوعی در حفظ کرامت اعضا و با محور قرار دادن عدالت در مناسبات داخلی آن دارد. بر مبنای این

۲. اهداف توسعه‌ی پایدار مجموعه هدف گذاری‌هایی هستند که در روند برنامه‌های توسعه‌ی هزاره برای قرن بیست و یکم از سوی سازمان ملل تدوین و تصویب شده و دوره‌ی زمانی ۲۰۱۵ الی ۲۰۳۰ را پوشش می‌دهند، و هر ساله همه کشورها باید بر اساس شاخص‌های مقرر در این اهداف تلاش‌های لازم برای بهبود وضعیت را به عمل آورند. برای ملاحظه جزئیات مربوط به این اهداف ر.ک :

<http://www.un.org/sustainabledevelopment/sustainable-development-goals/>

۳. حق بر تشکیل خانواده و جایگاه آن در جامعه در ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۲۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شناسایی شده است.

۳. برای نمونه ر.ک: سوره مبارکه اعراف / آیه شریفه (۱۸۹)؛ سوره مبارکه روم / آیه شریفه (۲۱)؛ سوره مبارکه نور / آیه شریفه (۳۲)؛ سوره مبارکه نسا / آیات شریفه (۳۴) و (۳۵).



نگرش، تعریف خانواده در هماهنگی با نظام تکوین هستی و آموزه‌های تشریعی و در پرتو نظام ارزش‌ها صورت می‌گیرد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۲).

در اسناد بین‌المللی تعریف مشخصی از خانواده ارائه نشده است و به دولت‌ها اجازه داده شده تا با لحاظ شرایط فرهنگی جوامع خود خانواده را تعریف کنند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند (۱) ماده (۲۳) خانواده را عنصر طبیعی و حیاتی جامعه دانسته که شایستگی حمایت جامعه و دولت را دارد. کمیته حقوق بشر در نظریه تفسیری شماره (۱۹) ضمن بند (۲) بر این که مفهوم خانواده در کشورها و حتی مناطق مختلف یک کشور ممکن است از برخی جهات متفاوت باشد تأکید کرده است. بنابراین ارائه‌ی تعریف واحد و فراگیری برای این مفهوم در سطح جهانی ممکن نیست. با وجود این کمیته تأکید می‌کند زمانی که گروهی از افراد بر اساس قانون و رویه‌ی یک کشور، خانواده به شمار می‌آیند، باید از حمایت‌های مصرح در ماده (۲۳) میثاق برخوردار شوند و متعاقباً دولت‌های عضو باید در مورد مفهوم و گستره‌ی خانواده در جامعه و سیستم حقوقی خود گزارش دهند (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳: ۵۵). طی سال‌های اخیر در برخی از نهادهای تابع سازمان ملل تحرکاتی عجیب در تعریف خانواده جریان پیدا کرده که اگرچه هنوز در مراحل اولیه است اما نگران‌کننده می‌باشند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲. متغیرهای اثرگذار بر وضعیت خانواده در کشورهای منطقه خلیج فارس

خلیج فارس یک منطقه راهبردی جهان محسوب می‌شود که در ساحل شمالی آن جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس در جنوب و غرب آن قرار دارند. کشورهای حاشیه خلیج فارس اگرچه جوامعی همگون نبوده و بعضاً گفتمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متنوعی بر آن‌ها حاکم است؛ اما در آنها باورها، سنت‌ها و رویه‌های نسبتاً یکسانی در برخی زمینه‌ها از جمله نهاد خانواده مشاهده می‌شود.

خانواده در حوزه خلیج فارس یک نهاد بنیادین محسوب می‌شود که مؤلفه‌های فرهنگی آن مبتنی بر منابع اسلامی و برخی سنت‌ها و باورهای محلی، قومی و قبیله‌ای است. خانواده



در این منطقه عمدتاً به عنوان یک واحد اقتصادی به ایفای نقش‌های اقتصادی به نفع اعضای خود و جامعه می‌پردازد. از طرفی یک واحد اجتماعی تلقی می‌شود که در آن تعاملات بین اعضای خانواده در چارچوب بافت روابط اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد.

در یک تحقیق به عمل آمده در خصوص نقش خانواده در کشورهای عربی متغیرهای زیر حائز توجه به شمار آمده‌اند (Aldinger and Bauernfeind : 2002).



کشورهای حاشیه خلیج فارس از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی با تحولات گسترده‌ای در قلمرو خانواده روبرو بوده‌اند. خانواده در این حوزه در یک دوره‌ی انتقالی از حیث عملکرد، نقش‌ها، ساختار و اقتدار به سر می‌برد.

پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهانی‌سازی همراه با پیشرفت سریع فناوری مجموعه‌ای از خطرات اجتماعی را در پی داشته است. ظهور ارزش‌های جدید که بر افکار جوانان همه‌ی مناطق از جمله حوزه خلیج فارس سایه انداخته و منجر به بروز مشکلاتی در حوزه‌های ارزشی و هویتی شده در عداد این مخاطرات است. کودکان بدون امکان کنترل یا وجود نهادهای نظارتی در معرض شیخون فرهنگ برآمده از اینترنت و هجوم فرهنگ مصرف‌گرایی قرار گرفته‌اند که می‌تواند کودکان و جوانان را به سوی



اعمال مصرفی غیر معقول و تقلید کورکورانه از مدل‌های غربی سوق دهد، و در نتیجه به بروز رفتارها و ارزش‌های دور از سنن ملی و شکاف بین نسلی در درون خانواده‌ها بیانجامد. پیش از آن که این خطرات، ورای مرزهای جغرافیایی به بحران تبدیل شوند، مداخله‌های علمی و نظام‌مند از جانب دولت‌ها و نهادهای مدنی را نیاز دارند (Kandil, 2013: 12).

خانواده ساختار جامعه را شکل داده و متقابلاً از آن تأثیر می‌پذیرد. شهرنشینی و مدرنیزه شدن در همه‌ی مناطق از جمله خلیج فارس تأثیر به‌سزایی بر ساختار و عملکرد خانواده داشته است. خانواده‌ها از زندگی در جوامع سنتی کوچک به اقامت در شهرهای پیچیده روی آورده‌اند. ساز و کار ساختار شهری، فرد را از محیط روابط اجتماعی محلی جدا کرده و زندگی وی را منزوی ساخته است. سیستم معماری خانه‌ها موجب شده خانواده عملکرد معاشرتی خود را از دست داده و بیشتر به یک نماد مصرفی و نه مکانی برای تعامل اعضای آن تبدیل شود. خانواده‌ی گسترده جای خود را به خانواده‌ی هسته‌ای داده است که البته خانواده‌ی هسته‌ای در خلیج فارس متفاوت از خانواده‌ی هسته‌ای در غرب است. در خلیج فارس با خانواده‌ی هسته‌ای در چارچوب روابط گسترده روبرو هستیم که هم بهره‌مند از مدل سنتی خانواده‌ی گسترده است و هم از تحولات زندگی مدرن تأثیر می‌پذیرد (El-Haddad, 2003: 2).

تغییر نقش‌ها نیز در خیلی از کشورهای اسلامی از جمله در حوزه خلیج فارس شایسته‌ی توجه است. نقش زنان و مسؤولیت‌های آنها با تحصیل، اشتغال و مشارکت در بسیاری از فعالیت‌ها و حوزه‌هایی که قبلاً اجازه‌ی ورود نداشته‌اند، تغییر کرده است. زنان شاغل در مراکز حرفه‌ای به طور نسبی با موفقیت از پس اقتضائات کار و زندگی خصوصی خود به عنوان همسر و مادر برآمده‌اند، مسأله‌ای که تغییراتی در روابط زن و مرد در خانواده را سبب شده‌اند. زنان در جامعه‌ی وکلا، پژوهشگران، سیاست‌مداران، قضات و اندیشمندان در حوزه‌ی علوم دینی به عنوان یک گروه جدید از کنش‌گران اجتماعی وارد عرصه شده‌اند. قطعاً تمامی آن‌ها به دنبال حقوق بیشتر و تساوی در برابر قانون نیستند و حتی خود را فعال حقوق زنان نمی‌دانند اما حضور آن‌ها ادبیات بحث را تغییر داده و نمادهای عمیقی را بر جای خواهد گذاشت (Mir Hosseini and others, 2013: 5).



همچنین در این راستا با تغییر در روابط والدین و فرزندان نیز روبرو هستیم. فناوری‌های جدید ارتباطی روابط جوانان با همسالان خود را افزایش داده و این ارتباطات بر ارزش‌ها و رویه‌های سنتی اثرگذار بوده است. ارتباطات جهانی نقش مؤثر و مهمی در اجتماعی شدن کودکان و جوانان برجای گذاشته و به این ترتیب، دیگر مادر یا مادر بزرگ نهاد اصلی پرورش کودکان به شمار نمی‌روند.

۳. جایگاه حقوق خانواده در کشورهای منطقه

در اغلب کشورهای عربی از جمله حوزه خلیج فارس، خانواده از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی به عنوان هسته و بنیان جامعه شناسایی شده است. این جایگاه اساسی در قانون اساسی بسیاری از دولت‌های عربی تصریح شده و است. این مهم تقریباً در تمامی سطوح حیات سیاسی بازتولید شده است (Josef, 1994: 56). در مقررات عادی کشورهای حوزه خلیج فارس نیز ضوابط خاص و معینی به حوزه‌ی خانواده اختصاص یافته است.

در کشور کویت قانون حقوق خانواده در سال ۱۹۸۴ تصویب شده و متضمن مسائل ناظر بر ازدواج، طلاق، حضانت و ارث می‌باشد. این قانون مشتمل بر ۳۷۴ ماده مبتنی بر مذهب مالکی می‌باشد (Alessa, 2010: 119-190).

در کشور عراق قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۱ بر امور خانواده حاکم است که در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۸ اصلاحاتی بر آن وارد شد و دادگاه احوال شخصیه به آن رسیدگی می‌کند (Republic of Iraq: 2016).

امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۵ قانون حقوق خانواده را تصویب نموده است. در این قانون اصلی گنجانده شده است که مطابق آن مقررات از فقه اسلامی و قواعد آن برگرفته شده است و مکاتب اهل سنت به ترتیب اولویت مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی مبنای تفسیر خواهند بود. این قانون سندی مفصل و متضمن موضوعات گسترده‌ای از جمله ازدواج، طلاق و موارد ناشی از آن، قوانین حاکم بر کودکان، نفقه‌ی اعضای خانواده و





قوانین مختلف حاکم بر اموال از جمله هدایا و ارث می‌باشد (Welchman, 2010: 163-178).

قانون خانواده در بحرین در سال ۲۰۰۹ تصویب شده است که تنها به بخش سنی این کشور اختصاص دارد. در قوانین بحرین مکتب مالکی بر سایر مکاتب اهل سنت ترجیح داده شده است (Bahrain Center for Human Rights: 2014).

در کشور قطر قانون خانواده در سال ۲۰۰۶ تصویب شده است و در آن مکتب حنبلی منبع تفسیر محسوب می‌شود. این قانون نسبتاً جامع بوده و شامل احکام ازدواج، طلاق، نفقه و وضعیت کودکان در خانواده است.

در کشور عمان قانون احوال شخصیه در سال ۱۹۹۷ طی فرمان پادشاهی صادر شده است که بر روابط خانوادگی حاکم بوده و مسائل مربوط به ازدواج، طلاق و حضانت را شامل می‌شود (Library of Harvard Law School: 2016).

در عربستان سعودی، مقررۀ واحدی تحت عنوان قانون خانواده وجود ندارد و مسائل مربوط به ازدواج، طلاق و سایر موارد مربوط به خانواده مبتنی بر قوانین اسلام اعلام شده است، که بر مدار فقه حنبلی می‌گردد (Kearney, 2009: 4).

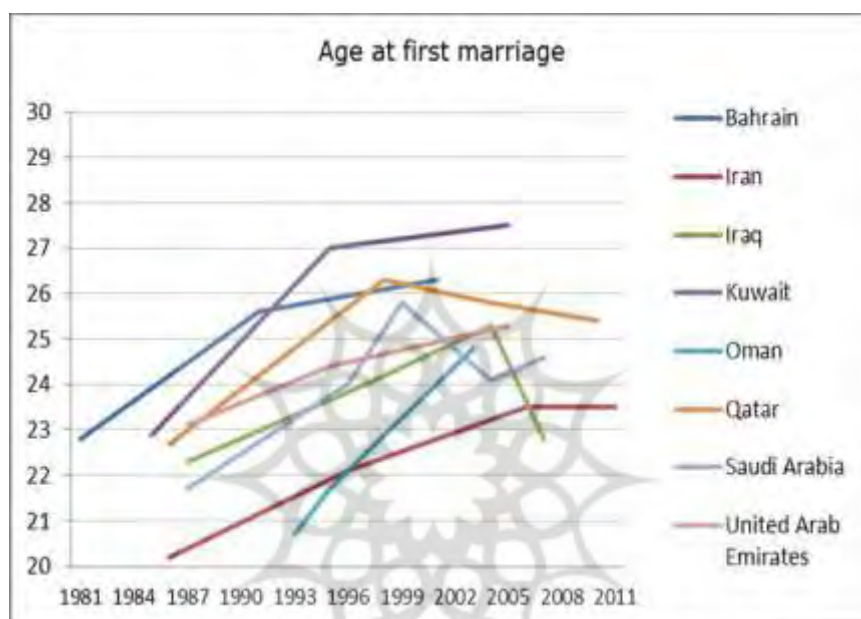
سن قانونی برای ازدواج در این کشورها عمدتاً هجده سالگی است. در عراق، عمان، قطر و امارات متحده عربی حداقل سن ازدواج هجده سالگی است. در عراق با رضایت والدین زنان می‌توانند در پانزده سالگی هم ازدواج نمایند. در عربستان ازدواج زیر سن هجده سالگی تنها با اجازه‌ی قاضی و بنا بر درخواست پدر امکان‌پذیر است. در تمامی این کشورها ازدواج اجباری ممنوع است (Seikaly & Roodsaz & van Egten, 2014: 25).

متداول‌ترین شیوه‌ی ازدواج در کشورهای حوزه خلیج فارس نکاح دائم است، اگرچه ازدواج موقت تحت عنوان متعه و میسار نیز وجود دارد. علاقه‌ی فزاینده به تحصیلات عالی و هزینه‌های زندگی منجر به تأخیر در ازدواج در منطقه خلیج فارس شده است. در حال حاضر میانگین سن ازدواج اواسط دهه بیست سالگی می‌باشد، به همین دلیل برخی کشورها از طریق کمک هزینه‌های مالی، ازدواج در سنین پایین‌تر را ترغیب می‌نمایند. به طور نمونه در کشورهای کویت و امارات متحده برای ازدواج به مردان کم درآمد وام اعطا





می‌شود. در قوانین این کشورها، برابر فقه اسلامی مورد قبول ایشان، چند همسری منع نشده و مجاز است. (Moller, 2013: 22-39) برخی محققان سن ازدواج اول و طلاق در این منطقه را به صورت نموداری ترسیم کرده‌اند که به شرح زیر ارائه می‌شود:



تصویر ۱. سن ازدواج اول در منطقه خلیج فارس (UN, 2011)



تصویر ۲. نرخ طلاق در منطقه خلیج فارس (UN, 2006)



در کلیه کشورهای منطقه خلیج فارس سقط جنین جز در مواردی که زندگی مادر در خطر بوده یا جنین با اختلالات جدی روبرو است ممنوع می‌باشد. نرخ مرگ و میر مادران و نوزادان از سطح جهانی بسیار کمتر است و در برخی از کشورها با کشورهای اروپایی برابری می‌کند. در تمامی هشت کشور این منطقه، زنان دارای معلولیت به طور برابر با مردان از تسهیلات آموزش، اشتغال و سلامت بهره‌مند می‌باشند. در قوانین این کشورها ختنه‌ی زنان ممنوع نشده است. در قوانین برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند کشورهای عمان، عربستان و امارات متحده عربی، مسأله‌ی همجنس‌بازی مورد توجه قرار گرفته و مجازات‌های سختی برای آن مقرر شده است. در قوانین برخی دیگر مانند بحرین، عراق و کویت، مستقیماً به این مسأله اشاره نشده اما برخی رفتارهای غیر اخلاقی قابل مجازات در نظر گرفته شده‌اند که قضات از آنها به عنوان قوانین ضد همجنس‌گرایی تعبیر می‌کنند (Seikaly & Roodsaz & van Egten, 2014: 30).

۴. رویکرد کشورهای منطقه به اسناد بین‌المللی مربوط به خانواده

مفهوم خانواده و حتی حقوق کودک تا چند دهه قبل با حقوق بین‌الملل عمومی ارتباطی نداشت. حقوق خانواده، مادر بودن و مناسبات داخلی بین همسران و فرزندان موضوعاتی بودند که در حد بسیار زیادی با هنجارهای دینی و فرهنگی هر جامعه پیوند خورده و جامعه بین‌المللی مسئولیتی برای سامان‌دهی موضوعات مرتبط با خانواده در سطح بین‌المللی بر عهده نداشت. متعاقباً با اهمیت روزافزون موضوعات حقوق بشری ساختار خانواده نیز در عناوین و مذاکرات کنفرانس‌های بین‌المللی، به موضوع محوری مذاکرات تبدیل شد و نتیجه‌ی روندهای بعدی در طرح اصول متعددی در عرصه‌ی خانواده در اسناد بین‌المللی به موازات سایر موازین مطرح در حقوق بین‌الملل نمایان شد که دولت‌ها متعهد به رعایت آن‌ها می‌باشند. (صفاری‌نیا، ۱۳۹۳: ۶۷)

سازمان ملل، خانواده را به عنوان واحد بنیادین جامعه به رسمیت شناخته است. بر همین اساس تقریباً تمامی فعالیت‌های سازمان ملل متحد به طور مستقیم یا غیر مستقیم با خانواده مرتبط شده است. به طور مثال صندوق جمعیت ملل متحد مادری سالم، بهداشت باروری،



نیازهای بزرگسالان و جوانان، تساوی جنسیتی و بررسی اثرات ایدز بر خانواده را در دستور کار دارد و یا صندوق کودکان ملل متحد از طریق اقداماتی مانند پیشبرد بقاء و حقوق کودکان از خانواده حمایت می‌کند. برخی دیگر از ارکان سازمان ملل نیز به طور غیر مستقیم از خانواده حمایت می‌کنند، نظیر سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، برنامه عمران ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت یا سازمان علمی و فرهنگی و آموزشی ملل متحد (یونسکو). در سطح سازمان ملل، پیمان‌نامه‌های متعدد در زمینه‌ی حقوق بشری، زنان، کودکان یا عرصه‌ی کار و اشتغال، بهداشت و درمان، آموزش و فرهنگ، ورزش و جوانان و زمینه‌های متعدد دیگر منعقد شده که کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای حوزه خلیج فارس به عضویت بسیاری از آنها درآمده‌اند و به اجرای آنها متعهد شده‌اند. مراجع نظارتی نیز به صورت دوره‌ای گزارش ملی ارائه می‌کنند. ارزیابی نوع تعامل کشورهای حوزه خلیج فارس در برابر اسناد بین‌المللی متنوع می‌تواند نوع نگرش و عملکرد آنها در زمینه‌ی خانواده را نیز روشن سازد.

در ادامه وضعیت این کشورها را در ارتباط با چند سند بین‌المللی که بیشترین ارتباط را با حقوق خانواده در موازین بین‌المللی دارند مرور خواهیم کرد.

۴-۱. وضعیت الحاق به پیمان نامه منع همه اشکال تبعیض علیه زنان

همه‌ی کشورهای منطقه خلیج فارس به جز ایران به پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۹ تصویب شده، پیوسته‌اند. بحرین پیمان‌نامه‌ی منع تبعیض علیه زنان را با اعمال حق شرط‌هایی بر مواد (۲)، (۹)، (۴)، (۱۵)، (۱۶) و (۱) در سال ۲۰۰۲ تصویب نمود. کشور عراق در سال ۱۹۸۶ با اعمال حق شرط بر مواد (چ) و (ج)، (۲)، (۱۶) و (۱) به پیمان‌نامه مذکور پیوست. دولت کویت این پیمان‌نامه را در سال ۱۹۹۴ تصویب نمود و از اعمال حق شرط بر مواد (ج)، (۱۶)، (۲) و (۱) استفاده کرد. عمان در سال ۲۰۰۶ به عضویت آن درآمد و یک شرط کلی بر تمامی مقررات پیمان‌نامه که مطابق با قوانین شریعت اسلامی نیستند و همچنین به مواد (۲)، (۹)، (۴)، (الف)، (پ) و (ج)، (۱۶) و ماده (۱) وارد نمود. قطر در سال ۲۰۰۹ با اعمال حق شرط به ماده (الف)، (۲)، ماده (۲)، (۹)، ماده (۱) و (۴)، (الف)، (پ)، (ج)، (۱۶) و ماده (۱) به این پیمان‌نامه پیوسته





است. پادشاهی عربستان در سال ۲۰۰۰ با اعمال حق شرط کلی بر تمام موارد مغایر با هنجارها و قوانین اسلامی حاکم، و دولت امارات متحده عربی در سال ۲۰۰۴ با اعمال حق شرط بر مواد (ج) ۲، ۹، (۲) ۱۵، ۱۶ و (۱) ۲۹ به پیمان نامه یاد شده پیوسته‌اند (UN, 2016).

ماده ۲۹	ماده ۱۶	ماده ۱۵	ماده ۹	ماده ۲	
-	-	-	-	-	ایران
✓ بند ۱	✓	✓ بند ۲		بند ج	امارات متحده
✓ بند ۱	✓	✓ بند ۴	✓ بند ۲	✓	بحرین
✓ بند ۱	✓			✓ بند ج و چ	عراق
✓ بند ۱			✓ بند ۲		عربستان
✓ بند ۱	✓ بند (الف و پ) ۱	✓ بند ۴	✓ بند ۲		عمان
✓ بند ۱	✓ بند (الف، پ، ج) ۱	✓ بند ۱ و ۴	✓ بند ۲	✓ بند الف	قطر
✓ بند ۱	✓ بند ج		✓ بند ۲		کویت

حق شرط‌های اعمال شده در تصویر نشان داده شده‌اند:

همان گونه که پیدا است الحاق همه‌ی کشورهای منطقه خلیج فارس به پیمان نامه‌ی منع تبعیض علیه زنان با اعمال حق شرط‌هایی مبتنی بر دغدغه‌های فرهنگی، بومی و مذهبی همراه بوده است. ماده (۲) پیمان نامه مذکور در خصوص محو تبعیض علیه زنان، ماده (۹) در خصوص حقوق مربوط به تابعیت، ماده (۱۵) در خصوص حقوق برابر زنان و مردان در قانون، ماده (۱۶) در خصوص تساوی زنان و مردان در امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی و بند (۱) ماده (۲۹) مربوط به اختلاف در تفسیر یا اجرای پیمان نامه بیشترین موارد استناد به حق شرط می‌باشند.

۴-۲. وضعیت الحاق به پیمان نامه حقوق کودک

تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس به پیمان نامه حقوق کودک، که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، پیوسته‌اند. کویت در سال ۱۹۹۱، بحرین در سال ۱۹۹۲، ایران و عراق در سال ۱۹۹۴، قطر در سال ۱۹۹۵، عمان و عربستان در سال ۱۹۹۶ و امارات متحده عربی در سال ۱۹۹۷ به این پیمان نامه ملحق شده‌اند. کشورهای



ایران، عربستان و قطر در زمان الحاق حق شرط کلی به تمام موادی که مغایر با قوانین اسلامی باشند، وارد نموده‌اند. کشور قطر در سال ۲۰۰۹ شرط کلی خود را پس گرفت و تنها آن را در مواد (۲) و (۱۴) پیمان‌نامه محفوظ نگاه داشت. دو کشور عراق و عمان به ماده (۱۴) پیمان‌نامه در خصوص فرزند خواندگی شرط وارد نموده‌اند. کویت به مواد (۷) و (۲۱) و امارات متحده عربی به مواد (۷)، (۱۴)، (۱۷) و (۲۱) پیمان‌نامه شرط وارد نموده‌اند (OHCHR, 2016).

۴-۳. الحاق به سایر اسناد بین‌المللی

بحرین اعلامیه پکن (سند کنفرانس جهانی زن) و سند نهایی کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه^۱ را بدون هیچ شرطی پذیرفته است. در خصوص اعلامیه پکن و اهداف توسعه‌ی هزاره با اعتراض بر عدم قبول بخش‌هایی که مربوط به رفتارهای متضمن بی‌بند و باری جنسی و هر آنچه مغایر با شریعت اسلامی باشد، پذیرش خود را اعلام داشته است. عراق نیز اعلامیه پکن، اعلامیه و اهداف توسعه هزاره و سند نهایی کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه را پذیرفته اما به بندهای (۹۶) و (و) از ماده (۲۳۲) برنامه‌ی عمل پکن به دلیل عدم تطابق با ارزش‌های مذهبی و اجتماعی مورد نظر خود شرط وارد کرده است. کویت اعلامیه پکن و سند کنفرانس جمعیت و توسعه را پذیرفته اما در خصوص اعلامیه پکن نسبت به هر چیزی که با قانون، شریعت، عرف و رویه‌های داخلی مغایرت پیدا کند به ویژه بندهای (و) از (۲۳۲)، (۱۰۶)، (۹۴) تا (۹۶) حق شرط وارد نموده است. در خصوص سند کنفرانس جمعیت و توسعه نیز طی یک حق شرط کلی بیان داشته که سیاست‌های جمعیتی نباید مغایر با شریعت، عرف و سنن جامعه کویت یا قانون اساسی این کشور باشند.

۱. کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه که در سال ۱۹۹۴ در قاهره برگزار گردید، نقطه‌ی عطفی در سیاست گذاری‌های بین‌المللی برای تنظیم خانواده به شمار می‌رود. یکصد و هفتاد و نه دولت برنامه‌ی عمل این کنفرانس را امضاء نموده‌اند که در آن از سیاست‌گذاران در سازمان‌های دولتی و غیردولتی خواسته شده است به منظور ارائه‌ی اطلاعات و خدمات در خصوص تنظیم خانواده همکاری کنند.





کشور عمان اعلامیه پکن، سند کنفرانس جمعیت و توسعه، اعلامیه و اهداف توسعه هزاره را بدون حق شرط پذیرفته است.

قطر بیانیه تفسیری و حق شرط نسبت به اعلامیه پکن ارائه کرده اما در کنفرانس جمعیت و توسعه شرکت نکرده است. این کشور اعلامیه و اهداف توسعه‌ی هزاره را نیز پذیرفته است.

عربستان سعودی در کنفرانس جهانی زن که منتهی به اعلامیه پکن شد شرکت نکرد و نماینده‌ی این کشور از کنفرانس جمعیت و توسعه نیز خارج شد اما اعلامیه و اهداف توسعه‌ی هزاره را پذیرفته است.

امارات متحده عربی بدون هیچ شرطی اعلامیه پکن، سند کنفرانس جمعیت و توسعه، و اعلامیه و اهداف توسعه هزاره را پذیرفته است (OHCHR, 2016).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود اغلب دولت‌های حوزه خلیج فارس نسبت به کنفرانس‌های جهانی که متضمن اسناد حقوقی اثرگذار بر نظام خانواده بوده‌اند، رویکرد نسبتاً مشترکی داشته و کنشگری نسبتاً فعالی از خود نشان داده‌اند و مبانی دینی و فرهنگی مورد پذیرش جامعه‌ی خود را در تعهدات نسبت به اسناد نهایی کنفرانس مورد توجه قرار داده‌اند.

۴-۴. تعامل دولت‌های منطقه در رویارویی با تحولات جدید بین‌المللی ناظر بر حقوق خانواده

در سطح واحدهای مختلف سازمان ملل طی سال‌های اخیر تحولاتی مشاهده می‌شود که حاکی از ورود مطالبات انحرافی برخی دولت‌ها و جوامع به ساز و کارهای سازمان ملل متحد است. این مطالبات با آن چه در اسناد شناخته شده‌ی بین‌المللی تا کنون شناسایی شده متفاوت است و عملاً در تضاد کامل با ارزش‌های ادیان مختلف اعم از مسیحیت یا اسلام در زمینه‌ی خانواده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، نمونه‌ای از این روندها به شرح زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

در بند (۲۳) یکی از گزارشات جدید گروه کاری تابع شورای حقوق بشر ملل متحد پیرامون تبعیض علیه زنان در قانون و در رویه آمده است: «خانواده به اشکال متعدد وجود



دارد، عبارت خانواده‌ی متنوع به طور مثال شامل خانواده‌های تک والد، خانواده‌های دارای سرپرست زن، خانواده چند نسلی [مثلاً همراه با پدر بزرگ و مادر بزرگ]، خانواده‌های دارای سرپرست کودک [به‌طور مثال یتیمان یا کودکان خیابانی]، خانواده‌های شامل زنان همجنس‌باز، مردان همجنس‌باز، دو جنسیتی، تغییر جنسیت داده، خنثی، خانواده‌های بدون فرزند، خانواده‌های افراد مطلقه، خانواده‌های چند همسری، خانواده‌های غیر سنتی حاصل از ازدواج‌های بین مذهبی بین جوامع».

گروه کاری یاد شده در بند (۲۵) گزارش مذکور تأکید می‌کند: «گروه کاری بر این عقیده است که فهم و تبیین حقوقی خانواده در قوانین ملی باید به گونه‌ای گسترش یابد که اشکال مختلف خانواده را به رسمیت شناسد. شناسایی زوج‌های هم‌جنس برای هم‌زنان و هم‌مردان و دیگر اشکال خانواده، مثالی از رویه‌های خوبی است که برخی از کشورها اجرا نموده‌اند». این در حالی است که در بند (۲۶) گزارش مزبور، گروه کاری یاد شده از دولت‌ها خواستار عدم شناسایی ازدواج زود هنگام یا اجباری، ازدواج موقت و چند زنی گردیده است (HRC: 2015).

آنچه تاکنون از دولت‌های اسلامی از جمله در منطقه خلیج فارس در قبال تحرکات انحرافی یاد شده نمود یافته است، عمدتاً حاکی از انفعال یا بی‌اطلاعی از این روندهاست که اگر به موقع با واکنش کارا همراه نشود، ممکن است فرصت از دست برود زیرا حامیان این گونه انحرافات نظری به شدت بر حجم فعالیت‌های خود در سازمان ملل افزوده‌اند و تلاش دارند تا این برداشت‌ها را در اسناد مختلف و واحدهای متنوع ملل متحد مورد شناسایی قرار دهند و آنها را از حقوق نرم به حقوق سخت و تثبیت شده و لازم‌الاجرا تبدیل کنند.

نتیجه‌گیری

آنچه از بررسی متغیرهای مؤثر بر وضعیت خانواده در جهان کنونی از جمله در منطقه خلیج فارس و جایگاه خانواده در مقررات داخلی این کشورها می‌توان استنباط کرد گویای این واقعیت است که اگرچه مبانی دینی و فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی یکی از





مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده‌ی نوع برخورد دولت‌های منطقه خلیج فارس در موضوع خانواده است، و این ویژگی با خصوصیات جاری در اندیشه‌های سکولار راجع به خانواده تفاوت همه جانبه‌ای دارد، اما این ظرفیت داخلی در رویارویی با ورود متغیرهای متعدد بیرونی با چالش‌های مهمی در سطح ملی مواجه شده است که می‌تواند در آینده بر مواضع دولت‌های مزبور در سطح فراملی به ویژه منطقه نیز اثر بگذارد.

در سطح فراملی دولت‌های حوزه خلیج فارس تا چند سال قبل نشان داده‌اند که حساسیت‌های دینی و فرهنگی خود را در مقوله‌ی خانواده دارند و بر همین اساس نیز نسبت به اسناد بین‌المللی ذی‌ربط شرط‌هایی وارد کرده‌اند یا از حضور در برخی از اجلاس‌ها به نشانه‌ی اعتراض خارج شده‌اند؛ اما پایداری این وضعیت در هاله‌ای از تردید است چرا که هم دولت‌های غربی طرف ارتباط حاکمان خلیج فارس تلاش‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند که دولت‌های منطقه را با خود هم‌نوا نمایند، و هم این که برخی متغیرها و عوامل داخلی در این کشورها به سمت مطالباتی هماهنگ با خواسته‌ی جوامع غربی و دوری از ارزش‌های اسلامی حرکت می‌کند.

جمهوری اسلامی ایران با شناخت دقیق موضوع خانواده در نظام بین‌الملل و ظرفیت‌های جوامع پیرامون خلیج فارس و توجه به اینکه اشتراک اعتقادی یکی از بنیادی‌ترین لایه‌های تقویت هم‌گرایی و همبستگی و صلح پایدار در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است، می‌تواند حوزه‌ی خانواده در کشورهای خلیج فارس را یک فرصت برای هم‌گرایی بیشتر منطقه‌ای و تقویت صلح و امنیت و توسعه‌ی پایدار ببیند، و بر همین اساس طرح‌ها و برنامه‌های مشترکی برای صیانت از دغدغه‌های همسان دینی و ارزشی و قواعد حقوقی ذی‌ربط پیشنهاد دهد. در این راستا حساس‌سازی دولت‌های حوزه خلیج فارس برای واکنش‌های سنجیده و به موقع در برابر برخی روندهای انحرافی مربوط به خانواده در سازمان ملل یا خارج از سازمان ملل از جمله‌ی اولویت‌ها است.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در سازمان همکاری اسلامی نیز مبتکر برخی اقدامات مشترک کشورهای اسلامی در برابر فرایندهای بین‌المللی مربوط به حقوق خانواده با هدف معرفی و تبیین نظام خانواده در اسلام و برخورد عالمانه با چالش‌های فراروی اندیشه اسلامی در مقوله خانواده باشد؛ به ویژه که بخش مربوط به زنان و خانواده در سازمان همکاری اسلامی طی چند سال اخیر فعال‌تر شده است و اعلامیه حقوق بشر در اسلام مصوب سازمان مزبور در سال ۱۹۹۰ میلادی/۱۳۶۹ شمسی نیز در مواد (۵) تا (۸) به



مقوله‌ی خانواده در اسلام پرداخته است و نگرشی مشترک و مورد وفاق همه‌ی کشورهای اسلامی منعکس کرده است.

به عنوان یک بسته‌ی پیشنهادی فربخشی مشخص به دولت‌های منطقه که بر اساس مبانی ارزشی مورد قبول همه کشورهای منطقه قابل پیگیری است، می‌توان بر موارد زیر تأکید کرد:

- اتخاذ ساز و کارها و رویکردهای جدید به ویژه در خصوص سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و تأسیس نهادهای نظارتی برای مدیریت و کنترل خطرات اجتماعی فراروی خانواده

- ضرورت تغییر از رویکرد مراقبت اجتماعی به سوی رویکرد توانمندسازی و توسعه‌ای

- ضرورت تغییر از رویکرد خیریه‌ای و کمک‌رسانی به رویکرد شناسایی حقوق انسانی

- ضرورت تغییر از رویکرد پراکنده نسبت به خانواده که بر اجزای آن، زن، کودک و جوان، متمرکز است به سمت رویکردی جامع که به خانواده به عنوان یک کل می‌نگرد که عبارت از یک واحد اجتماعی بنیادین با لحاظ حقوق اجزای آن و توازن تعادل داخلی حقوق و مسؤولیت‌ها است.

- مشارکت موثر و هماهنگ ذی‌نفعان مختلف از جمله حکومت‌ها، جامعه مدنی، بخش خصوصی، نهادهای ملی و رسانه‌ها در پیشبرد برنامه‌های بهبود وضعیت خانواده. در این راستا سازمان‌های غیردولتی می‌توانند نقش مهمی در پر کردن خلأهای ناشی از عدم مداخله‌ی دولت‌ها ایفا نمایند. آنها می‌توانند با هماهنگی نهادهای دولتی به اجرای برنامه‌های ملی پردازند، خدمات حقوقی و مشاوره‌ای به خانواده‌ها ارائه نمایند، پوشش‌های اطلاع‌رسانی راه‌اندازی کنند و به حمایت از قربانیان نقض حقوق از جمله زنان، کودکان و سالمندان پردازند.

منابع

۱. حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰ش، حقوق زن و خانواده، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی‌چا.





۲. صفاری نیا، محیا، ۱۳۹۳ش، خانواده در اسناد حقوقی بین‌المللی: حقوق و تکالیف، دستاوردها و چالش‌ها، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، بی‌چا، ج ۱.

3. Aldinger, Jorg & Bauernfeind, Horst, (2002), The Role of The Family in Arab Countries, Human Resource Development.
4. Alessa, Amani Saleh, (2010), Sex Discrimination within Kuwaiti Family Law, Arab Law Quarterly No.24.
5. Bahrain Center for Human Rights, (2014), Family Law in Bahrain.
6. Callan, Samantha, (2014), Building a strong society requires effective family policy, DIFI Family Research and Proceedings.
7. El-Haddad, Yahya, (2003), Major Trends Affecting Families in The Gulf Countries, Bahrain University.
8. Expert Group Meeting on "Family policies and the 2030 Sustainable Development Agenda", (2016), Division for Social Policy and Development of Family, United Nations.
9. Islamic Family Law, (2016), In: Library of Harvard Law School, <http://hls.harvard.edu/library>.
10. Islamic Family Law, Republic of Iraq, (2016), In: <https://scholarblogs.emory.edu/islamic-family-law>.
11. Josef, Suad, (1994), Gender and Family in the Arab World, Women in the Middle East: Images and Reality, MERIP/Middle East Report.
12. Kandil, Amani, (2013), The Eleventh Annual Report of Arab NGOs, The Civil Society and Risks Facing the Arab Family, Arab Network for NGOs.
13. Kearney, Patrick, (2009), Family Law in Saudi Arabia, University of Birmingham.
14. Mir-Hosseini, Ziba & Vogt, Kari & Larsen, Lena & Moe, Christian, (2013), Gender and Equality in Muslim Family Law, I.B. Tauris & Co Ltd.
15. Moller, Len-Maria, (2013), Family Law in the Arab Gulf: Recent Developments and Reform Patterns, Journal of Islamic State Practices in International Law (JISPIL), Vol. 9, No. 2.
16. Seikaly, May & Roodsaz, Rahil & van Egten, Corine, (2014), The Situation of Women in the Gulf States.
17. Viano, Emilio, (2014), Empowering the family, Routledge, Peace Review: A Journal of Social Justice.
18. Welchman, Lynn, (2010), Bahrain, Qatar, UAE: First time Family Law Codifications in Three Gulf States, International Survey of Family Law.

